

یورش جدید ارتجاع به جنبش دانشجویی

است. در همین رابطه، دفتر تحکیم وحدت اطلاعیه بی منتشر کرد که در آن آمده است: «روند تحولات اخیر فضای سیاسی کشور و گسترش نقش دستگاه قضایی که با فراموشی نقش عدالت جویی خویش به یک پای معادلات سیاسی کشور تبدیل شده است و سکوت گسترده ای که پیرامون تبعات و نتایج چنین روندی جامعه را فرا گرفته است همگان را نگران آینده وضعیت کشور و گسترش ناامیدی از پیگیری و ثمردهی مطالبات مردم نموده است.» (ایسنا، ۱۳ مرداد)

در این بیانیه تاکید شده است: «بدون تردید تحرك چند ساله اخیر جریان دانشجویی و نقش ممتاز و بیستاز آن در توزیع اندیشه های دموکراتیک و اصلاح طلبانه و آگاهی دهی به جامعه علت اصلی این برخوردهای اخیر می باشد. تلاش برای مخدوش کردن مرز اصلاحی و براندازانه و سوق دادن دروغین دانشجویان به سمت فعالیت غیر اصلاحی که زمینه ساز برخوردهای آنچنانی قرار گیرد امروز در دستور کار عده ای قرار گرفته است، تا از ره آورد آن پروژه نقد قدرت را با چالش مواجه کند.»

تشدید حملات به جنبش دانشجویی و روند مداوم بازداشت ها و احضارها و دستگیری ها و اطلاعیه اخیر دفتر تحکیم که بیانگر وضعیت کنونی جنبش دانشجویی است این نکته را آشکار می سازد که سیاست های تکنونی در مقابله با اقدامات قوه قضائیه و دیگر ارگان های سرکوب رژیم ولایت فقیه، نگرانی های فزاینده ای را در بین دانشجویان به وجود آورده است. سیاست «آرامش فعال» که عملا دانشجویان را به تمکین در برابر این اقدامات تشویق می کرد امروز آنچنان فشارهایی را به جنبش دانشجویی وارد ساخته که حتی در اطلاعیه دفتر تحکیم وحدت عکس العمل آن کاملا مشهود است. در هم تنیدگی روند پیشرفت اصلاحات با جنبش دانشجویی هشدار می است به تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات که با ارایه راه کارهای عملی موثر به مقابله با اقدامات سرکوب گرانه پردازند. سیاست سکوت و بی عملی نه تنها باعث توقف سرکوب گری ها نمی شود بلکه ارگان های سرکوب رژیم ولایت فقیه بیش از پیش جری تر کرده تا به اینگونه اقدامات خود سرعت و گسترش بیشتری بخشند. مقاومت قاطعانه با تکیه بر نیروهای اجتماعی یگانه راه حل موثر با چنین اقداماتی است.

بحران «اولویت ها و فوریت ها»

خبرگزاری ایسنا، ۱۳ مرداد، گفتگویی را با محمد رضا تاجیک، مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، انجام داده که در آن اظهار داشته: «نظام مدیریتی و تصمیم ساز ما از دیر باز با بحرانی به نام «بحران اولویت ها و فوریت ها» مواجه بوده است.» وی دلیل این امر را فقدان تفکر و اندیشه استراتژیک در میان نخبگان تصمیم ساز عنوان کرده است. به عنوان دومین عامل، تاجیک در اشاره به مدیریت و مدیران طراز اول معتقد است که آنها در هر زمینه و بر

خبرهای منتشر شده در روزنامه ها و رسانه های گروهی حکایت از تشدید فشارها بر جنبش دانشجویی کشور دارد. در هفته گذشته موج احضار و بازداشت دانشجویان همچنان ادامه پیدا کرد و تعدادی از آنها هنگام حضور در دادگاه روانه بازداشت گاه شدند. روزنامه نوروز، یکشنبه ۷ مرداد ضمن درج اسامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر، از ابراز نگرانی خانواده های بازداشت شدگان و برخی ابهامات پیرامون این دستگیری ها خبر داده است. در همین حال دادگاه دو تن از «متهمان» نشریه دانشجویی «فریاد» نیز برگزار گردید. اعضای هیئت تحریریه این نشریه دانشجویی متهم هستند که مقاله توهین آمیزی را به چاپ رسانده اند. روزنامه نوروز شنبه ۱۳ مرداد همچنین گزارش داد که، امیر حسین بلالی، دبیر واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر توسط دادگاه انقلاب بازداشت شده

گرو کشی «ولی فقیه» و خواست «مجلس بی اختیار»

در پس پردهٔ بیست و ششمی «قانونی»، انتخاب «حقوق دانان» شورای نگهبان چه مسائلی وجود دارد؟

معرفی شده رای مثبت ندادند و ۱۳۲ رای سفید نیز شمارش گردید. روزنامه نوروز، یکشنبه ۱۴ مرداد، از قول یکی از نمایندگان در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد اینکه احتمالا افراد جدیدی که از سوی رئیس قوه قضائیه معرفی خواهند شد چه کسانی هستند، گفت: «قطعا عباس کریمی که بعد از عزیزی با ۱۰۴ رای بیشترین آرا را به خود اختصاص داد معرفی نخواهد شد.»

در پی مناقشه مجلس و قوه قضائیه، علی خامنه ای ولی فقیه رژیم، در نامه بی به کریمی، نوشت که، با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی به رای قانونی در انتخاب حقوق دانان شورای نگهبان نرسیده است و با عنایت به شبهه قانون اساسی، مقتضی است مراسم تحلیف رئیس جمهوری را تا هنگام فراهم شدن زمینه قانونی لازم به تاخیر بیاندازید تا این مراسم حایز اهمیت مورد شبهه قانونی قرار نگیرد. (آفتاب یزد، یکشنبه ۱۴ مرداد)

و اما اصل مسأله چیست؟ چالش مجلس شورای اسلامی با ولی فقیه و ارگان های تحت کنترل او گرچه برای بار اول نیست که رخ می دهد اما بررسی این مسأله که از فرآیند چنین درگیری هایی چه چیزی عاید جنبش مردمی خواهد شد دارای حایز اهمیت است. درگیری مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه بر سر تعیین حقوق دانان شورای نگهبان، بار دیگر به روشنی بر این نکته مهم تاکید کرد که از دید شاهرودی و

روز شنبه ۱۳ مرداد، مجلس شورای اسلامی، یک روز قبل از مراسم تحلیف رئیس جمهوری، به بحث و رای گیری در باره افراد معرفی شده برای عضویت در شورای نگهبان رژیم ولایت فقیه پرداخت. در رای گیری اولیه ابراهیم عزیزی با کسب ۱۵۰ رای، به عنوان «حقوق دان» شورای نگهبان انتخاب شد و مابقی رای لازم را برای تصدیق این پست به دست نیاوردند. قبلا زمزمه ها و بحث هایی در رسانه های داخلی در گرفته بود که بدون تعیین حقوق دانان شورای نگهبان مراسم تحلیف رئیس جمهوری با اشکال قانونی مواجه خواهد شد. برای حل این «مشکل قانونی»، مجلس اقدام به تشکیل جلسه ای دیگر در همان بعدازظهر روز شنبه کرد و از شاهرودی درخواست کرد تا به معرفی حقوق دانان جدید پردازد. در پی درخواست کریمی از شاهرودی، وی الموتیان، موسوی، اسماعیلی و کدخدایی را به این منظور به مجلس معرفی کرد. جالب اینکه شاهرودی با معرفی دوباره کدخدایی که کمترین رای را در دور اول آورده بود و حذف کریمی که بیشترین رای را نسبت به دیگر کاندیداهای معرفی شده آورده بود، عملا با دهن کجی آشکار عملا به نمایندگان مجلس اعلام کرد که نظر نمایندگان برای قوه قضائیه پیشیزی ارزش ندارد و تا آنجا که به قوه قضائیه و مسئول آن مربوط می شود نقش مجلس «رای دادن» به افراد مورد نظر مرتجعان حاکم است و نه چیزی بیشتر. در رای گیری بعدازظهر نمایندگان مجلس در یک رای گیری مخفی به هیچ کدام از کاندیداهای

ضمیمه ۵
نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۱۴، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۶ مرداد ۱۳۸۰

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه گرو کشی دولتی فقیه و ...

دیگر مرتجعان حاکم مجلس شورا و نمایندگان آن باید مطیع ولی فقیه باشند و اوامر او را در نهایت به اجرا درآورند. مجلس بی اختیار، از نوع مجلسی که در دوران حکومت سلطنتی در مین ما وجود داشت، یعنی مجلسی که مسئولیت نمایندگان آن مجیزگویی سران رژیم و در انتها تأیید بی چون و چرای سیاست های اعمال شده از بالا باشد مدل حکومتی است که در همه کشورهای «ولایت فقیه» نیز خواهان چنین مجلسی است. برخورد «ولی فقیه» رژیم نسبت به حق مجلس درباره بررسی طرح ضد دموکراتیک لایحه مطبوعات، وجود شورای نگهبان برای تو کردن هر لایحه و تصمیمی که مجلس خارج از خواست سران رژیم اتخاذ کند و استفاده از اهرم های «قانونی» همچون دادگاه های ویژه و «انقلاب» برای زیر فشار قرار دادن نمایندگان مجلس برای آنکه «پا را از گلیم خود دراز تر نکنند»، همگی نشانگر برداشت روشن مرتجعان حاکم از حدود و اختیارات مجلس شورای اسلامی است. فشار خامنه ای برای انتخاب کروبی، کارگزار کهنه کار ارتجاع، به عنوان رئیس مجلس، نیز بخشی از همین سناریو برای کنترل کامل نهادی است که قاعدتاً باید مسئولیت قانون گذاری در کشور را عهده دار باشد.

دهن کجی شاهرودی مبنی بر معرفی شخصی که کمترین آرا را در مجلس کسب کرد در عین حال نشانگر این مسأله است که تاریک اندیشان حاکم مترصدند این نظر را در جامعه جا بیاندازند که مقاومت در برابر خواست های ارتجاع امری بیهوده و بی ثمر است. جا انداختن فرهنگ شکست، عقب نشینی و تمکین کردن به منویات مرتجعان حاکم در عین حال به قصد وادار کردن جنبش مردمی به عقب نشینی از خواست های خود و قبول مرزهایی است که ارتجاع حفظ خود را در چارچوب آنها ممکن می داند. اکنون که بیش از یکسال و نیم از عمر دوره ششم مجلس شورای اسلامی می گذرد جنبش مردمی عملاً ناظر آن بوده است که مجلس نتوانسته حتی به حداقل خواست های جنبش اصلاحات تحقق بخشد و در رویارویی های انجام گرفته با ارگان های تحت کنترل ولی فقیه با عقب نشینی از مواضع خود بتدریج اعتبار خود را از دست می دهد. سؤال اساسی در اینجا این است که با اتخاذ کدام تاکتیک ها می توان به مقابله با فشارها و ترفندهای مرتجعان حاکم رفت. آنچه مسلم است این است که تجربه گذشته نشان داده است که تمکین و تسلیم شدن در برابر خواست های مرتجعان حاکم نتیجه بی جز عقب نشینی های بیشتر و سرانجام تسلیم در پی نخواهد داشت. جنبش اصلاح طلبی باید روشن کند که برنامه چهار سال آینده اش در برابر فشارها و حملات مرتجعان حاکم چیست و چگونه می خواهد در برابر این تهاجمات روند اصلاحات در جامعه را به پیش ببرد. بدون استراتژی و تاکتیک های مشخص و کارا، نتیجه امر همین خواهد بود که تاکنون بوده است. شعار، عقب نشینی از مواضع بدست آمده و دیگر هیچ!! ارتجاع از هم اکنون چشم انتظار پایان یافتن این دوره مجلس و دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی و بازگرداندن کامل اوضاع به دوران پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است.

حزب توده ایران بارها بر این نکته تأکید کرده است که اتکاء به چارچوب ها و ساختارهای کنونی برای پیش بردن امر اصلاحات نمی تواند پاسخگوی خواست ها و نیازهای جنبش اصلاح طلبی باشد. بنیاد گذاری نهاد ولایت فقیه، و انحصار قدرت در قوه قضائیه، شورای نگهبان و تحت کنترل داشتن ارگان های سرکوب همچون بسیج، سپاه و دیگر نیروهای مسلح پیش بینی مرتجعان برای مقابله با چنین تغییر و تحولاتی در جامعه ما بوده است. بدون اتکاء به مردم و نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات نمی توان روند پیشبرد اصلاحات در جامعه را دنبال کرد. این امر نیز به جرات سیاسی، ملاک قرار دادن منافع توده ها و نه مرزهای ارتجاعی «خودی و غیر خودی» و سازماندهی نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات نیازمند است. نیروهای مترقی و آزادی خواه باید در این زمینه، همچون گذشته پیشگام باشند.

ادامه بحران اولویت ها و فوریت ها

سر هر موضوعی حرف اول و آخر را از خود می داند و تمکین نسبت به یک نظر و سخن کارشناسانه را کسر شان خود تحلیل می کند. سومین عامل هم از دید او فقدان یک رویکرد و سیستم علمی برای تشخیص اولویت ها و فوریت های نظام برشمرده شد. تاجیک اولویت و فوریت نظام را ظرف چند سال آینده و در سطح نظام، ارایه چهره ای کاملاً عملیاتی و کارآمد از اصلاحات فراگیر عنوان کرد. وی خاطر نشان کرد: «بدیهی است که اگر چه اصلاحات یک پروژه فراگیر است و تمامی عرصه ها و زمینه های نظام و جامعه را در می نورد، لکن این بدان معنی نیست که تمامی خرده نظام های ما به یک میزان و در یک گستره نیازمند اصلاحات هستند.

در شرایط کنونی، عرصه مسایل اقتصادی و اجتماعی بیش از هر عرصه و زمینه دیگری محتاج اصلاحات است و به بیان دیگر، شعار اصلی ما در چند سال آینده می باید سیاست ورزی کمتر، اقتصاد سازی بیشتر باشد.» در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر که برگزار گردید یکی از مباحث اصلی بین محمد خاتمی و مابقی کاندیداهای انتخاباتی شورای نگهبان حول مسأله اصلاحات، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی دور می زد. در جریان انتخابات، تمامی کاندیداهای هر چند در شکل متفاوت اما در محتوا همسو، با انگشت گذاشتن روی مطالبات اقتصادی وارد زور آزمایی با توده ها شدند. بحث اساسی در این جا این است که چگونه می توان بدون اصلاح ساختار حکومتی، یعنی ادامه حاکمیت رژیم استبدادی و حاکم بودن نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک نوین بر شریان های حیاتی اقتصادی و سیاسی گامی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی در راستای منافع توده های محروم برداشت. سخنان پرابهام تاجیک در این مورد و تأکید او بر اینکه شعار اصلی چند سال آینده، سیاست ورزی کمتر، اقتصاد سازی بیشتر می باشد این نگرانی را به وجود آورده که پروژه توسعه سیاسی در اولین روزهای کاری دومین دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی در جهتی خلاف خواسته های توده ها سیر می کند. جنبش مردمی امروز پس از چهار سال پر تلاطم که قتل های زنجیره ای، ترور حجابیان، فاجعه تیر ماه کوی دانشگاه، تعطیلی روزنامه ها و بازداشت روزنامه نگاران، به زندان افکندن تعداد کثیری از نیروهای ملی- مذهبی به اضافه بازداشت و در حبس نگهداشتن تعداد زیادی از دانشجویان و دیگر مبارزان را به همراه داشته، نیازمند اقدامی قاطع تر نسبت به این روند های ضد مردمی است. تعطیل کردن روند اصلاحات سیاسی، حتی در شکل محدود چهار سال گذشته، همان خواستی است که ماه ها پیش از انتخابات توسط خامنه ای و دیگر سران ارتجاع همچون هاشمی رفسنجانی و نامزدهای انتخاباتی آنان در جریان انتخابات بیان شد و جواب خود را در جریان انتخابات ۱۸ خرداد نیز گرفت. تغییر این روند و اولویت دادن به مسایلی که اتفاقاً بدون حل این معضل جدی در خوشبینانه ترین حالت با توجه به ساختار فاسد سیاسی در بالاترین رده های حکومتی بدون موفقیت خواهد بود، هشداری است به تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات که با آن مقابله جدی بکنند. نیروها و اشخاصی که سعی دارند با نادیده گرفتن این خواسته روشن توده ها، با استفاده از وضعیت فلاکت بار و فوق العاده دشوار معیشتی آنها به منخ چهار سال آینده بپردازند، باید فاطمانه افشا و طرد شوند. چهار سال آینده باید سکوی پرش برای تثبیت جنبش مردمی باشد و نه مفری برای تثبیت هر چه بیشتر حکومت رژیم ولایت فقیه.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Namch Mardom-NO 614
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

7th August 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse